**دین و روان شناسی**

**نویسنده : رفیعی آتانی، عطاءالله**

مجموعه حاضر، جستاری است در گونه‏های ترابط میان دین و روان‏شناسی. هدف این شماره ـ چونان شماره‏های گذشته ـ مساعدت نظری است به سیاست‏گذاری و مدیریت پژوهشی در حوزه، و گشودن افق‏های تازه با طرح سوءالات نو و مسائل تازه فراروی پژوهش و پژوهشگران در این عرصه.

دین، یعنی مجموعه‏ای از آموزه‏های الهی، و دانش روان‏شناسی که متکفل فهم و تئوریزه کردن بروز و ظهورهای روان آدمیزاد است، در دو رویکرد اساسی با هم ارتباط برقرار می‏کنند: روان‏شناسی دینی و روان‏شناسی دین.

o روان‏شناسی دینی، نامی است که می‏توان بر بخش عظیمی از ارتباطات و مناسبات میان دین و روان‏شناسی برنهاد. در چارچوب روان‏شناسی دینی، به مسائل و موضوعات گوناگونی توجه می‏شود؛ از جمله:

1. مفاهیم و نظریات روان‏شناختی چونان سایر معارف بشری مبتنی بر نگره‏ها و نگاه‏های ویژه به خدا، جهان، انسان و طبیعت است. پیدا است که چنین دیدگاه‏هایی در دانش روان‏شناسی نقش کلیدی دارند. نزد دینداران، عرضؤ معارف دینی نه معجزه‏آسا، بلکه به واقع معجزه است. بنابراین نمی‏توان و نباید مفاهیم و نظریات روان‏شناختی مبتنی بر معارف الهی و دینی، همانی باشد که از نگاه غیردینی به خدا و انسان برآمده است. معارف اسلام به‏طور خاص، روی خطاب با فطرت انسان دارد. بر همین اساس، دین حقانیت گزاره‏های خویش را در معرض ارزیابی «فطرت» انسانی قرار می‏دهد. با این رویکرد در پس‏زمینه همه معارف دینی یک دیدگاه ویژه در مورد فطرت انسان و در حقیقت خلقت خاص انسانی نهفته است. گویی همه معارف دینی روبنایی است که «نظریه اسلامیِ فطرت» زیربنای آن است و فطرت همه حقیقت و ماهیت ناب انسانی است. آیا دانش و فن روان‏شناسی، به فهم و نگاه خالق انسان به حقیقت انسانی، یعنی فطرت که بنیاد تمامی آموزه‏های دینی است، نیاز ندارد؟ و آیا اساساً به چیزی مهم‏تر از آن نیازمند است؟!

2. برخی از نصوص و گزاره‏های دینی، به گونه‏ای شگفت، اما به سیاق دانش روان‏شناسی، به تجزیه و تحلیل روان و بروندادهای روان آدمی می‏پردازد. به‏کارگیری این بخش از نصوص دینی در گردونه تولید مفاهیم و نظریه در دانش روان‏شناسی، می‏تواند ذائقه و رویکردی متفاوت به آن ببخشد. به هر حال منبع وحی، چونان سایر منابع شناخت بشری، مجموعه‏ای از «گزاره‏ها» را در اختیار ما قرار می‏دهد که نمی‏توان و نباید از آنها چشم پوشید.

3. در یک نگاه، اساساً علم و به تبع آن دانش روان‏شناسی، محصول و مصنوع اجتماع بشری است. بنابراین تفاوت‏های اساسی جوامع بشری، دانش‏های برآمده از متن و بطن خویش را به رنگ و بوی و خصوصیت خود در می‏آورد. بر این اساس روان‏شناسی برآمده از متن جامعه اسلامی و روان‏شناسی محصول کاوش‏های علمی پژوهشگران مسلمان و روان‏شناسی برآمده از نیازها و اقتضائات جامعه اسلامی، نمی‏تواند با تولیدات و محصولات جوامع غربی که تناسب ذهنی و عینی با نیازهای خود دارد، یکسان باشد.

4. حوزه دیگری که می‏تواند رنگ و بوی دانش روان‏شناسی را اسلامی‏تر کند، مفاهیم و نظریات علوم اسلامی و همچنین ظرفیت‏های متدلوژیک موجود درآن برای مساعدت نظری به دانش روان‏شناسی است. بدیهی است که فلسفه، اخلاق و به‏ویژه عرفان و سیر و سلوک اسلامی در این زمینه مجال فراخ‏تر و فرصت بیشتری دارند.

5. سازگارسازی مفاهیم و نظریات روان‏شناسانه با مجموعه معارف و نصوص دینی، گام دیگری است که می‏تواند به تقویت پیوند دین و روان‏شناسی مدد رساند.

روان‏شناسی دین، نامی است که می‏توان بر مجموعه دیگری از مناسبات دین و روان‏شناسی نهاد. نگاه روان‏شناختی به آموزه‏ها و پدیده‏های دینی، و تحلیل روان‏شناختی رفتارهای دینی، در این بخش قابل طبقه بندی است. از این منظر علاوه بر آنکه روان‏شناسی می‏تواند به نظریه‏پردازی در قلمرو همه علوم اسلامی کمک کند، با روش تحقیق تجربی در دانش روان‏شناسی، می‏توان حقانیت بسیاری از معارف اسلامی را در قلمرو زندگی انسان بنمایاند و یا زمینه بازنگری‏های دقیق‏تری را فراهم‏کرد.

به هر روی، این شماره از مجله تلاشی است آغازین و منحصر برای نشان دادن متدولوژیک و روش‏شناسانه جنبه‏هایی از مناسبات علوم دینی با روان‏شناسی. این‏گونه تلاش‏ها برای تقویت و تکامل خویش، سخت به مساعدت دانشوران نیازمند است. با سپاس از همه فرهیختگانی که در تولید و عرضه این مجموعه، مددکار مجله بودند، و با اعتذار از کاستی‏ها و شاید ناراستی‏ها، از همگان مساعدتِ نقادانه را انتظار می‏کشیم.